بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 17 مهر 1396.

بحث ما در مورد این بود که اینکه جد .... إخوه هست که در روایات ما هست مراد چیست. علما می گویند که جدّ أبی به منزله أخ أبی است و جدّ اُمّی به منزله اُخت أبی است. همچنین جدّ و جدّه اُمّی هم به منزله أخ و اُخت امّی است. آقای آقا سید محمد سعید حکیم این مطلب را قبول ندارند می گویند که جدّ و جدّه چه أبی باشند و چه اُمّی باشند به منزله أخ و اُخت أبی هستند. و به گروهی از روایات تمسک کرده اند. ما در مورد این روایات داشتیم صحبت می کردیم که آیا اینها اطلاق دارند یا خیر. می گفتیم برای اینکه این روایات فهمیده شود باید یک مقداری فتواهای عامه را در مورد بحث ارث انسان بداند تا بعد با توجه به آنها روایات مفادش روشن تر می شود. گفتیم که عامه اتّفاق نظر دارند که جد و جدّه اُمّی، اینها جزء فرض بر ها و ان چیزهایی که به منزله فرض بر هستند نیستند و جدّ و جدّه اُمّی با إخوه و أخوات أبی یا اُمّی با هیچکدامشان با هم ارث نمی برند. جزء اولوا الارحام هستند به اصطلاح. ارث اولوا الارحام در جایی هست که طبق نظر عامه که نه فرض بری باشد و نه عصبه ای وجود داشته باشند. در مرحله بعد از آن ارث اولوا الارحام مطرح است که حالا اصلا ارث اولوا الارحام هست یا نیست آنها هم خیلی اختلافی هست بینشان ولی در میان عامّه در اینکه تا وقتی که فرض بر و عصبه هستند نوبت به ارث اولوا الارحام نمی رسد آن بحثی نیست. بنابر این در جایی که إخوه أبی یا امّی وجود داشته باشند به جدّ و جدّه امّی طبق نظر عامه ارث نمی رود اتفاقا. اما اگر جدّ أبی باشد حالا جد أبی با إخوه و أخوات أبی چه حکمی دارند؟ عامه می گویند که جدّ أبی ارث می برد إخوه و أخوات أبی دیگر آنها ارث نمی برند. نه معذرت می خواهم اشتباه لفظی کردم.

جدّ أبی با إخوه امّی، اینجا جدّ أبی ارث می برد و إخوه اُمّی دیگر ارث نمی برد. یعنی در واقع هر جایی که پای اُمّ در کار بیاید، آن ارث نمی برد. اگر إخوه اُمّی باشند با جدّ أبی، جدّ أبی ارث می برد. اگر إخوه دبی باشند با جدّ امّی، إخوه أبی ارث می برد. این نظر عامه است. اما در جایی که هر دو با هم باشند هر دو أبی باشند. اینجا اختلافی است.

سؤال:

پاسخ: نه وقتی إخوه و أخوات

نه اختلافی نیست. إخوه امّی با جدّ أبی این اتفاقی است. إخوه امّی با جدّ أبی، جدّ أبی ارث می برد و إخوه امّی ساقط می شوند. آن که اختلافی هست جایی که هر دو أبی باشند هم جد أبی باشد و هم إخوه أبی باشد اینجا اختلافی است. اینجا هم در اینکه جد ارث می برد اتّفاقی است. جدّ أبی جایی که با إخوه أبی همراه باشد در اینکه جدّ أبی ارث می برد اتفاقی است. در اینکه همراه آن إخوه أبی هم ارث می برد یا خیر اختلافی است. این چکیده فتواهای عامه در این مسئله.

سؤال:

پاسخ: هر دو امّی باشند جدّ امّی ارث نمی برد. جدّ امّی علی أیّ تقدیر ارث نمی برد. جدّ امّی کلا ارث نمی برد.

این فتواهای عامه. حالا با توجه به این فتواهای عامه ما می خواهیم روایات را توضیح دهیم. ببینید روایات ما چند دسته داریم. یک روایات إخوه اُمّی با جدّ ذکر شده اند. این یک دسته. یک دسته روایات إخوه أبی با جدّ ذکر شده اند. حالا أبی که می گوییم اعم از أبی و أبوینی. یک روایات إخوه و جدّ ذکر شده است دیگر أبی و اُمّی در آن ندارد و این هم سه دسته. یک روایاتی هر دو گروه را دارد یعنی هم حکم إخوه اُمّی و جد را دارد و هم إخوه أبی و جد. هر دو را در یک روایت واحد جمع کرده است. لحن این روایت متفاوت است. یعنی اگر روایت را آدم ببیند کاملا مشخّص است که تعبیرات متفاوت است. این متفاوت بودن تعبیرات به خاطر این است که ان شبهه ای که اینجا وجود دارد که منشأ روایات هست آن شبهات فرق دارد و این است که تعبیراتش مختلف است. آن روایاتی که إخوه اُمّی و جد را مطرح می کند، بحثی که اینجا مطرح کرده است این است که آیا إخوه امّی همراه جد ارث می برد یا خیر. حالا من می خوانم. محور بحث این است که إخوه اُمّی همراه جد ارث می برد یا خیر. این جدّی که کأنه جدّ مسلّم است که ارث می برد. بحث این است که إخوه امّی ارث می برد یا خیر. این جدّی که اینجا مراد است جدّ أبی است. در حالی که در مورد جدّ اُمّی با إخوه اُمّی بحثی نیست در میان عامه که جدّ امّی ارث نمی برد. اگر بخواهد تخطئه عامّه هم باشد، تخطئه عامه به این لحن نباید باشد که إخوه امّی ارث می برد یا خیر. خب آن جدّ چی؟ حکم جدّ را آنهایی که به اصطلاح تخطئه عامّه هم که نیست در واقع. چون در واقع آنها آن چیزی که اتّفاق نظر دارند این است که جدّ امّی اصلا ارث نمی برد همراه إخوه. ولی اینجا محور بحث روی إخوه امّی است. حالا من روایاتش را بخوانم. 44882 می گوید ابی الصباح الکنانی

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْإِخْوَةِ مِنَ الْأُمِّ مَعَ الْجَدِّ

سؤال از این است که إخوه از امّ با جد ارث می برد یا خیر. سؤال از جدّ نیست. نه اینکه جایی که إخوه امّی باشد و جدّ هم باشد حکم ارث چیست. این سؤال نیست. این که آیا إخوه امّی همراه با جدّ ارث می برد یا خیر. پاسخ امام هم ملاحظه فرمایید.

قَالَ الْإِخْوَةُ مِنَ الْأُمِّ فَرِيضَتُهُمُ الثُّلُثُ مَعَ الْجَدِّ

این جدّ ای که مسلّم هست که ارث می برد در ارث بردن إخوه امّی سنی ها چیز دارند. این جدّ أبی است و الا جدّ امّی که قطعا آنها می گویند که ارث نمی برد. پس این جدّی که جدّ أبی هست سنی ها می گویند که جدّ أبی اگر باشد إخوه امّی همراه او ارث نمی برد. همین مطلبی که اتفاق نظر عامه هست همین را سؤال کرده اند و امام علیه السلام تخطئه کرده اند و گفته اند که نه اگر جدّ وجود داشته باشد و إخوه امّی هم باشد این إخوه امّی به وسیله جدّ دبی محجوب نیست. جدّ أبی حاجب إخوه امّی نیست.

سؤال:

پاسخ: نه پاسخ امام هم مشخص است. بحث این است که جد ارث می برد یا خیر. چرا این را سؤال کرده است. نه سائل سؤال کرده است و نه امام جواب داده است

سؤال:

پاسخ: اینها که اصلا مورد بحث نیست که. یک چیزهایی از اسمان چیز نکنید. حضرت می گویند که سهمیه خودش را میبرد. اینها خیلی چیزهایش مورد بحث است حالا می آیم بعضی چیزهایی که اینجا وجود دارد بحث هایی دارد اینها صبر کنید. این یک و در واقع حضرت یک مقداری هم استدلال هم در کلام امام هست. می خواهند بگویند که آن آیه قرآنی که فریضه ثلث تعیین کرده است برای إخوه امّی این اختصاص ندارد جایی که جدّ نباشد. فریضه تعیین کرده است و فریضه چه جدّ باشد چه نباشد علی أیّ تقدیر ان فریضه را آیه قرآن تثبیت کرده است خب باید ببرد دیگر. این یک روایت روایت بعدی 44883

.... الإخوه من الام مع الجد قال للإخوه من الام مع الجد نصیبهم الثلث مع الجد

روایت بعدی 44884

سَأَلْته عَنِ الْإِخْوَةِ مِنَ الْأُمِّ مَعَ الْجَدِّ فقَالَ للْإِخْوَةُ مِنَ الْأُمِّ فَرِيضَتُهُمُ الثُّلُثُ مَعَ الْجَدِّ

روایت بعدی روایت روی ابان عن بکیر و الحلبی عن احدهما علیهم السلام قال للإخوه من الام الثلث مع الجد و هو شریک الإخوه من الأب

این جد را ملاحظه فرمایید. بحث سر این نکرده است که جد ارث می برد یا خیر. آن بحث یک بحث دیگری است. می گوید که این جدّ با إخوه أبی شریک هستند. این روایت را داشته باشید این روایت در واقع یک توضیحی می خواهد که بعدا هم در موردش عرض می کنم. همچنین 44886 همین جور است. در اینها یک روایتی هست من فکر می کنم که این روایت راوی اشتباه نقل شده است. این روایت هایی که اینجا هست حالا اوّل یک روایت دیگر را بخوانم. 44888 روایت ابی بصیر هم می گوید که

قال قال ابو جعفر علیه السلام اعطی الأخوات من الاُمّ فریضتهنّ مع الجدّ

آن هم همین جور. یک روایت اینجا هست سؤال سائل را که ملاحظه فرمایید ممکن است تصوّر شود سؤال از حکم جد است. ولی از جواب امام علیه السلام پیدا است که به نظرم این سؤال چپه نقل شده است. روایت أبی الرّبیع عن أبی عبد الله علیه السلام فی الجدّ مع إخوهٍ للاُمّ. قال انّ فی کتاب علیٍّ انّ إخوه من الاُمّ یرثون مع الجد الثلث. پاسخی که امام داده است إخوه اُمّ را پاسخ داده است. اما اینکه جدّ می برد

این باید برعکس باشد روایت های دیگر را همه را ملاحظه می فرمایید إخوه اُمّ مع الجدّ سؤال کرده است. این باید پس و پیش باشد و یک

سؤال:

پاسخ: خب باید بگوییم الباقی مال جدّ است. همان لقمه دور سر پیچاندن است دیگر. در واقع اینطوری تعبیر نمی کنند. این را ملاحظه فرمایید همین عین همین سند به عین همین سند در، نه حالا آن باشد

انّ فی کتاب علیٍّ، این را داشته باشید این روایت را یک بار دیگر من بر میگردم و در موردش صحبت می کنم.

خب این یک مجموعه.تنها یک روایت هست که حکم مسئله را که سؤال کرده است به این روایت مسمع ابی سیّار را ببینید

سألتُ ابا عبد الله علیه السّلام عن رجلٍ مات و ترک إخوهٌ و أخواتٍ لاُمٍّ و جدّا. قال الجدُّ بمنزله الأخ من الأب له الثلثان و للإخوه و الأخوات من الاُمّ الثلث فهم فیه شرکاء سواء.

این روایت ممکن است شما بگویید که چرا یک نکته ای که آقای حکیم شاید اینکه این روایت ها را مطرح کرده اند که جدّی که در این روایات وجود دارد اطلاق دارد و هم جدّ أبی را شامل می شود و هم جدّ اُمّی را اصل منشأ شبهه شان ممکن است این باشد تقریب استدلالشان این باشد که در این روایات، إخوه را قید زده است یا گفته است اُمّی یا مثلا گفته است أبی ولی جدّ را قید نزده است. این پیدا است که جدّ اعم از این است که أبی باشد یا اُمّی باشد. پاسخ مطلب این است که علت اینکه قید نزده است این بوده است که در اینکه جدّ اُمّی همراه با إخوه أبی یا إخوه اُمّی ارث نمی برد این چون اتّفاقی بوده است حکم یک سری صورت خاصی را مطرح کرده است. یعنی در واقع حکم مال آن صورتی هست که در واقع در اینکه عامه می گویند که اگر جدّ اُمّی باشد و أخ و إخوه امّی باشد اینها می گویند که جدّ ارث نمی برد و اُمّ ارث می برد. یعنی آن صورت مسئله ای که در میان عامّه مورد بحث هست که آیا همراه با جدّ إخوه اُمّی ارث می برند یا خیر. صورتی که محطّ اشکال آن إخوه اُمّی هست آن صورت صورتی هست که جدّ جدّ أبی باشد. یعن اشکال این که قید نزده است به خاطر این است که در این

سؤال:

پاسخ: جدّ اُمّی مورد سؤال نبوده است. یعنی

سؤال:

پاسخ: همین را می گویم که علّتی که قید نزده است به خاطر اینکه اتّفاق نظر داشته اند که جدّ اُمّی ارث نمی برد. صورتی را اینها متعرّض هستند که ارث بردن جدّ مسلّم هست. سؤال این است که آن صورتی که ارث بردن جدّ مسلّم است، آیا إخوه اُمّی همراه او ارث می برد یا خیر. یا حتّی إخوه أبی.

سؤال:

پاسخ: یعنی صورتی که به عقیده عامه جدّ به هر حال اثر گذار است. و صورتی که جدّ اثرگذار هست ولو به عقیده بعضی از اهل تسنن جدّ اثرگذار هست آنها را. ولی آن صورتی که جدّ طبق نظر عامّه هیچ اثرگذار نیست آن را سؤال نکردیم. یعنی سؤال علّتی که قید نکرده است علّتش این است و این نشانگر این نیست که اطلاق دارد و امثال اینها.

سؤال:

پاسخ: نه هیچکدامشان سؤال موردی که نیست. عن رجلٍ مات و ترک إخوهً و أخواتٍ لاُمِّ و جدّا. اینها که موردی نیست.

حالا ملاحظه فرمایید تنها در روایت هایی که بحث إخوه و أخوات اُمّی هست همین یک دانه روایت هست که سؤال به این شکل هست که صورت مسئله را طرح کرده است و گفته است که برای ما بیان کنید که حکم مسئله چیست. بقیه روایت ها همه این جور هست که آیا همراه جدّ، إخوه اُمّی هم ارث می برند یا خیر. خب مشخّص است که مراد از جدّ، جدّ أبی است. اما حالا إخوه أبی را ملاحظه فرمایید. إخوه أبی را وقتی روایات مطرح کرده است به این لحن نیست اصلا. لحنش این است که آیا جدّ با إخوه أبی ارث می برد یا خیر. آن تعبیر را ببینید إخوه أبی 44901

سؤال:

پاسخ: می خواهم بگویم که تنها این یک روایت هست که ممکن است توهّم شود مطلبی که آقای حکیم در موردش گفته اند. این هم همان چیزهایی که آن روایت های دیگر ناظر هستند ناظر است. اینها چیزهایی نیست که، مرادم این است که ببینید نحوه تعبیرات چه هست. تعبیرات قالبی ای که از این. این هم همان سؤالات است ولی

حالا این یک معارضی هم این دسته روایات إخوه اُمّی دارد که اینها هم باید حمل بر تقیّه شود آن معارضش هم مؤیّد همین مطلبی هست که من عرض می کنم. آن روایت 44890 است. روایت قاسم بن سلیمان قال حدّثنی ابو عبد الله علیه السلام قال انّ فی کتاب علیٍّ علیه السلام انّ الإخوه من الاُمّ لا یرثون مع الجد. این که اینجا قید زده است إخوه اُمّ با جد ارث نمی برد این تقیّه ای است. از جهت روایات مسلّم است که إخوه اُمّ با جدّ ارث می برد همه روایت های دیگر این مطلب هست. ولی اینکه قید زده است إخوه اُمّ ارث نمی برد این جدّ، جدّ أبی مراد هست و الّا در جدّ اُمّی چیزی ندارد به اصطلاح فرقی ندارد در جدّ اُمّی که إخوه اُمّی باشد، أبی باشد، آن هیچ یک از آنها اصلا سنّی ها قائل به ارثش نیستند و ما قائل به ارثش هستیم. اینکه این صورت خاص را هم متعرّض شده است این هم به خاطر

سؤال:

پاسخ: بحث من این است که آن صورتی که اینکه قید زده است انّ الإخوه من الاُمّ لا یرثون مع الجدّ. این هم این یکی باشد تا بعدا

خب ببینید می خواهم بگوید که إخوه اُمّی با جدّ وقتی عبارت هایش هست غالبا تکیه بر إخوه اُمّی است این را می خواهم بگویم که انّ الإخوه من الاُمّ لا یرثون مع الجدّ. تکیه این است که آن إخوه اُمّی آیا ارث می برد یا خیر. و الّا نسبت به آن جدّ، از اینکه آن جدّ ارث می برد کأنه آن مفروق عنه است و این إخوه اُمّی است که مورد سؤال است که آیا ارث می برد یا خیر. که اینجا امام علیه السلام فرموده اند که تقیّهً ارث می برد.

سؤال:

پاسخ: حالا آن یک معنایی هست به نظر میاد مستبعد است. آن تفسیری که کرده اند این احتمال قوی تر این است که این روایت تقیّه ای باشد حمل این روایت.

سؤال:

پاسخ: وجهش این نیست چون روایت های مشابه دیگر در کتاب علیٍّ حمل بر تقیّه کرده است. وجه شیخ تا همین جا یک روایت دیگر است که حمل بر تقیه کرده است در کتاب علیٍّ. شیخ وجهش این نیست وجهش این است که

حالا آن خیلی مهم نیست من روی آن تکیه ندارم بگویم حتما وجه بر تقیّه شود. غرض من این نکته است که این که حالا وجه مرحوم شیخ که روشن تر است. شیخ می گوید که صورت مسئله صورتی است که این جد ارث می برد. بحث این است که آیا إخوه اُمّی هم همراه آن جدّ ارث می برد یا خیر. این جدّی که بنا بر مبنای شیخ هم که تفسیر کرده است این جدّ باید جدّ أبی باشد نه جدّ اُمّی. چون جدّ اُمّی در اینکه اگر بحث مقاسمه باشد جدّ اُمّی با اُمّ که ارث می برد. جدّ اُمّی آهان نه طبق نظر آقای حکیم ایشان قائل به مقاسمه نیستند. حالا این روایت را کنار بگذاریم و بحثش بماند.

اما تعبیرات إخوه أبی و جدّ را ملاحظه فرمایید. روایت هایی که در إخوه أبی و جدّ هست. 44901 را ببینید.

عَنْ زُرَارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنْ رَجُلٍ تَرَكَ أَخَاهُ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ جَدَّهُ قَالَ الْمَالُ بَيْنَهُمَا نِصْفَانِ وَ لَوْ كَانَا أَخَوَيْنِ أَوْ مِائَةً كَانَ الْجَدُّ مَعَهُمْ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ لِلْجَدِّ مَا يُصِيبُ وَاحِداً مِنَ الْإِخْوَةِ

تکیه روی بحث اینکه سهم الجدّ چقدر است. تکیه روی آن روایات این بود که سهم الأخ ایا أخ ارث می برد یا خیر. اینجا تکیه هایش روی این است که جدّ چقدر

پون این اختلافی است در میان عامه. در میان عامه یک اختلاف شدید اللحن خیلی زیادی دارد که حالا به بعضی هایش اشاره خواهم کرد که اختلافاتش به چه نحو است. اصلا آیا همراه با جد با إخوه أبی که باشد این إخوه أبی سهمش چقدر است. خیلی اختلافات رنگارنگ وجود دارد. فراوان

این اختلافاتی که هست سهم جدّ چه است این اختلافات مال جدّ أبی است و الّا جدّ اُمّی همراه إخوه ارث نمی برد اینها اصلا کأنه مسلّم است.

قَالَ وَ إِنْ تَرَكَ أُخْتَهُ فَلِلْجَدِّ سَهْمَانِ وَ لِلْأُخْتِ سَهْمٌ وَ إِنْ كَانَتَا أُخْتَيْنِ فَلِلْجَدِّ النِّصْفُ وَ لِلْأُخْتَيْنِ النِّصْفُ

اینجا أُختین مراد از این أُخت هم أُخت أبی است. البته این مهم نیست اینجا أُخت أَبی گرفتن. چون اینجا دلیل نیست چون قبلا آن أخ اش أخ أبی بود می تواند اعتماد به قرینه قبلی شده باشد. یعنی این روایت دال ّ بر آن مطلب که أَخ و أُخت انصراف دارد به أَخ أَبی که ما قائل هستیم نیست. ولی تعبیر آخرش را ملاحظه بفرمایید

قَالَ وَ إِنْ تَرَكَ إِخْوَةً وَ أَخَوَاتٍ مِنْ أَبٍ وَ أُمٍّ كَانَ الْجَدُّ كَوَاحِدٍ مِنَ الْإِخْوَةِ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ

باز تکیه روی این است که جدّ چطوری ارث می برد. روایت بعدی 44902

إِنَّ الْجَدَّ مَعَ الْإِخْوَةِ مِنَ الْأَبِ يَصِيرُ مِثْلَ وَاحِدٍ مِنَ الْإِخْوَةِ

باز روی جدّ تکیه دارد. یعنی می خواهم بگویم چون محطّ اشکالی که آنجا هست روی جدّ است روی سهمش هم هست تکیه روی آن جایی که بحث کرده است می گوید جدّ سهمش چقدر است. اصل ارث بری اش کأنّه مسلم است. چقدر می خواهد ارث ببرد. اصل ارث بری اش کأنه مسلّم است. چقدر می خواهد ارث ببرد

این مربوط به اُمّی و اینها نیست اینها ناظر به این است. می خواهم اختلاف تعبیر را نشان دهم. آن جایی که إخوه أُمّی است تکیه روایت روی إخوه أُمّی است که آیا إخوه أُمّی ارث می برد چطوری ارث می برد. جایی که روی إِخوه أَبی است بحث را روی إِخوه أَبی نمی برد. بحث را می برد که جدّ چطوری ارث می برد. این خودش نشانگر این است که اینها به اصطلاح حکم چگونه است.

اینجا در مورد إخوه أَبی یک روایتی هست ممکن است توهّم شود که این روایت با آن سبکی که ما می گوییم منافات داشته باشد. 44899 را ببینید. نه چیز خاصی نیست

سَأَلْتُهُ عَنْ أَخٍ لِأَبٍ وَ جَدٍّ قَالَ الْمَالُ بَيْنَهُمَا سَوَاءٌ

نه آن چیز خاصی نیست. غرض من این است که جایی کخه در روایت، روایاتی که أَخ و جدّ را با هم آورده باشند گاهی اوقات سؤال از این است که أَخ و أَب حکمشان چه هست. به این نحو سؤال را طرح کرده است. از این روایات خب چیزی در نمی آید که

ولی جایی که می خواهد روی یکی از اینها تکیه کند در إخوه أُمّی تکیه روی إِخوه أُمّی است در إِخوه أَبی تکیه روی جدّ است.و این اختلاف تعبیرات مال چیست؟ این اختلاف تعبیرات به خاطر همان فتوای عامّه هست که محطّ اشکال در إِخوه أُمّی روی إِخوه أُمّی است و در إِخوه أَبی در سهم الإِرث جدّ است. و آن سهم الإِرث جدّ ای که محلّ اختلاف است جدّ أَبی است نه جدّ أُمّی. این حالا چکیده عرض من یک تکه های ریزه کاری هایی در روایت دارد این را ملاحظه فرمایید به خصوص در بحث إِخوه أَبی یکی دو تا روایت هست اینها را

اینها روایاتی بود که إِخوه أُمّی و جدّ را داشت و إِخوه أَبی و جدّ را داشت. یک دسته سوم روایاتی هست روایات مطلقات که اکثر روایت های ما هم شاید همین روایت باشد. إِخوه و جدّ هست. من فقط الآن آدرس روایاتش را می دهم برخی از روایاتش به خصوص یک توضیحاتی دارد 44904 تا 44918 این روایات را ملاحظه فرمایید.

سؤال:

پاسخ: رقم 38 باب اولی اش است. یک روایت های خاصّی دارد در خود همین روایت ها قرائنی وجود دارد که کلمه جدّ ای که در آنجا هست مراد از جدّ اش جدّ أَبی است. این را ملاحظه فرمایید فردا انشاء الله در موردش توضیح می دهم. خلاف مرحوم شیخ طوسی را مراجعه کنید دو سه تا فصل بعدی هست که فتوای عامّه را نقل می کند آنها را ببینید خیلی برای فهمیدن این روایت ها خلاف مفید است. حالا آدرس هایی که در ذیل خلاف هست هم خوبه ولی من خلاف را آورده بودم که امروز بعضی از آنها را بخوانم که نشد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد